

راهنمای عملی برای تظاهرات 22 خرداد

و اعتراضات جمعی روزهای بعد

جزوه ی آموزشی



کمیته مبارزه نافرمانی مدنی سازمان خودرهاگران

خرداد 1389

[www.khodrahagaran.org/Nafarmani.html](http://www.khodrahagaran.org/Nafarmani.html)



## مقدمه :

مبارزه باید با هدف مشخصی انجام شود. در غیر این صورت دچار فرسایش می گردد. هدف مشخص یعنی این که وقتی به خیابان می رویم باید

بدانیم چه می خواهیم به دست آوریم و چگونه؟

در این جزوه این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است که چگونه به یک هدف مشخص برای جنبش یعنی گرفتن قدرت از دست رژیم دست

یابیم.

الف: نافرمانی مدنی لازم است.

نخست بگوییم که نافرمانی مدنی موجب تضعیف رژیم می شود نه منجر به تغییر رژیم.

اطاعت و فرمانبری و همکاری حتی ناخواسته ی مردم با رژیم ملایان سبب در قدرت ماندن آنها و قطع همکاری مردم با حکومت تضعیف و در

نهایت براندازی یک رژیم دیکتاتور می باشد.

هر گونه حرکت نا فرمانی مدنی و به سنوال کشیدن حقانیت حاکمیت در روحیه و توان سیاسی رژیم اثر خواهد نمود. نفي اخلاقی و اجتماعی

رژیم بایستی بصورت مشخص و مادی انجام بگیرد تا موجودیت آنرا تهدید و به مخاطره بیاندازد. به همین دلیل قطع همکاری و عدم اطاعت،

برای کم کردن امکانات رژیم از منابع قدرتش از موثرترین راههای ضعیف کردن حکومت میباشد.



اگر تعداد کافی از مردمی که برای دولت کار می کنند در عملیات " عدم همکاری" شرکت کنند و با تمارض و هر دلیل دیگری بر سر کارهای روزانه خود حاضر نشوند دستگاههای اداری و اجرایی رژیم به شدت ضعیف شده، موجودیت آن نیز آسیب پذیرتر خواهد شد. اثر این آسیب ها زمانی بیشتر خود خواهند شد که افراد متخصص با دانش های ویژه نیز به این عدم همکاری ملحق شوند.

دسترسی به منابع مختلف مادی از دیگر نقاط قدرت رژیم است و اگر چنانچه کنترل تمام و یا قسمتی از این منابع مانند سیستم های بانکی و مالی، اقتصادی، اداره املاک منابع طبیعی ( نفت و گاز و معادن) ، وسایل ارتباطی و نقلیه عمومی ( اتوبوس ، قطار ، هواپیما و..) و وسایل مخابراتی (تلفن ، روزنامه ، رادیو ، تلویزیون ) و دیگر منابع، بدست نیروهای مبارز و تحت تاثیر عدم همکاری باشند، سر چشمه های قدرت رژیم آسیب پذیر تر شده و احتمالاً در رابطه با یکدیگر و سایر منابع قطع و خشک خواهند شد.

کاری که می توان در این مرحله انجام داد عبارت است از تضعیف دستگاه دولتی برای نداشتن قدرت کافی جهت مقابله با حضور وسیع مردم در تظاهرات و اعتراضات. چگونه می توان این تضعیف را انجام داد؟

با تحسن، اعتراضات مستمر، درخواست اضافه حقوق، اعتصاب، کم کاری، از کار انداختن خط تولید، خرابکاری در تاسیسات دولتی، از میان بردن امکانات و ادارات دولتی مانند بانک ها، صندوق های قرض الحسنه، ساختمان های وزارتخانه ها و غیره. به هر طریق ممکن باید زیان و ضرر و خسارت به ماشین دولتی وارد ساخت. باید پول ها را از بانک بیرون کشید، کالاهای دولتی را خریداری نکرد، محصولات و خدمات شرکت های وابسته به سپاه را تحریم کرد، از خدمات مخابرات رژیم (سپاه) استفاده نکرد، تا حد امکان پول آب و برق و تلفن را نداد یا با تاخیر داد، صندوق های خیریه را خالی گذاشت و یا از جا کند، بر هر جا که می توانیم شعار بنویسم و عکس های سران نظام را تخریب کنیم، ترافیک را



دامن بزنییم، حمل و نقل عمومی را مختل کنیم، با برگزاری تجمعات اعتراضی چند نفره یا چند ده نفره نیروهای امنیتی رژیم را به این سوی و آن سوی بکشیم و آنها را خسته و فرسوده کنیم و در یک کلام هر آن چه که چرخ های نظام را از کار می اندازد انجام دهیم. کم هزینه ترین روش در این بین به از بین بردن امکان استفاده از ساختمان های دولتی به هنگام شب و با طرح و برنامه ریزی قبلی می باشد.

توانایی رژیم آخوندها در تهدید ، تکفیر ، تحریم ، تنبیه ، سرکوب و بالاخره کشت و کشتار مردم مبارز و مقاوم خلاصه میشود، این نیروها کدام است؟ لازم است نگاهی به این نیروها انداخته و راه برخورد با هرکدام را به دقت و تا حد امکان بدون اشتباه آماده داشته و به آنها عمل کنیم.

در کادرهای اصلی این نیروها عبارتند از:

یکم: نیروهای چماقدار و سرکوبگر در صف اول ، موسوم به "لباس شخصی ها"

دوم: نیروهای بسیج و یا حزب اللهی ها

سوم: نیروهای انتظامی و یا پلیس

چهارم: نیروهای سپاه پاسداران

پنجم: نیروی ارتش

گروه اول و یا لباس شخصی ها،



اولین نیروهائی هستند که تا به حال بطور معمول به میدان آورده شده اند. ویژگی این افراد در نداشتن هیچگونه ریشه انسانی و اعمال خشونت بدون محاسبه ی عواقب در محل تظاهرات، استفاده از سلاح های غیر متداول مانند دشنه ، چماق، پنجه بکس، زنجیر و ... برای مضروب کردن، استفاده از روش های مختلف برای ترساندن و ایجاد رعب هر چه بیشتر در مردم، مانند پوشیدن لباسهای سیاه و یا حتی لباس معمولی و قاطی شدن بین مردم و جاسوسی، حرکت دسته جمعی سوار بر موتورسیکلت، حمله دسته جمعی به نقاط ضعف جمعیت، مانند زنان و کودکان و افراد مسن ترو همچنین به دام انداختن افراد و کتک زدن آنها بدون هیچ رحم و ملاحظه ای بوده است. این نیروها از بین خودفروش ترین و نازل ترین آدم های جامعه انتخاب می شوند و با توجه به نداشتن هیچگونه ریشه وابستگی عاطفی، مردمی، و حتی ایده نو لژیکی به طور کامل مزدور و مزدبگیر بوده و به همین خاطر امکان تغییر عقیده در آنها ناممکن است. راه برخورد با این افراد ترساندن آنهاست و به هیچ وجه نباید با رحم و عطف با آنها برخورد کرد. باید کاری کرد که صحنه را طوری ترک کنند که دیگر برنگردند.

### گروه دوم: نیروهای بسیج و حزب اللهی

این نیروها که بصورت نیروی پشتیبانی گروه اول وارد میدان می شوند و حالت پیشتازان سپاه پاسداران را دارند، افراد حقوق بگیر از بسیج مستضعفان و سپاه و اعضای سازمانهای مختلف امنیتی هستند که با نام بسیج وارد عمل میشوند و وظیفه دارند که در کنار انجام عملیاتی مشابه گروه اول، افراد فعال جمع را دستگیر یا ربوده از محل خارج کنند. این نیروها معمولاً به سلاح گرم نیز مجهز بوده اجازه دارند که در موقع لزوم از آن استفاده کنند، ولی وظیفه کشتار همگانی و رسمی را ندارند. اینها همان کسانی هستند که افراد دستگیر شده را به زندان ها و محل های مختلف برده آنها را باصطلاح خودشان سر به نیست می کنند. بطوریکه اطلاع داریم با وجود پوشش وسیع نام "بسیج" افرادی با وظایف و



ماموریت های مختلف، زیر این پوشش فعال بوده، سازمان رهبری آنها با وجود چهره های شناخته شده کاملاً آشکار مانند حسین طائب و نقدی جنایتکار، رسمیت ظاهری آنان زیاد مشخص نیست. به دلیل تنوع افراد و گروههای متشکل و تنوع ماموریت و انجام قضاوت ها و تصمیم گیری های سریع و آبی، با وجود قدرت سازمانی و تجهیزاتی و پرسنلی، بیشتر امکان نفوذ در آنها وجود داشته روش برخورد با آنان با روش برخورد با گروه اول تا اندازه ای متفاوت باشد. نباید فراموش کرد که این نیرو صرفاً برای ضربه زدن به معترضین و تظاهرکنندگان به صحنه آورده می شوند. به همین دلیل برخورد عملی با آنها لازم است به طریقی که دیگر به صحنه بازنگردند.

### گروه سوم: نیروهای انتظامی و گارد ضد شورش

این نیرو ها که بصورت رسمی و سازمانی آشکار و با یونیفرم، وظیفه اصلیشان حفظ و برقراری نظم و جلوگیری از آشوب و هرج و مرج می باشد و نیروهای ضد شورش را نیز شامل می شوند. این نیرو که در ظاهر و به طور سازمانی و قانونی وظیفه ی حفظ نظم را برعهده دارند در عمل به عنوان نیروی سرکوب نقش می آفرینند. به همین دلیل نباید به آنها به چشم نیروی خنثی و وظیفه نگاه کرد. آنها آمده اند که با تارومار کردن تظاهر کنندگان و ضرب و شتم و دستگیری تظاهر کنندگان تجمع اعتراضی را از هم بپاشانند. به همین دلیل باید با آنها به عنوان یک نیروی سرکوبگر برخورد کرد.

با این وجود در صورت مشاهده ی نرمش از جانب آنان باید تلاش کرد آنان را مورد تاثیرگذاری قرار داده و از صف دشمن کند. باید تلاش کرد آنها را به دفاع از مردم در مقابل نیرویی که ملت را سرکوب می کند دعوت کرد.

### گروه چهارم: سپاه پاسداران



این بدنه ی اصلی نیروی سرکوبگر است که گارد ضد شورش (نیروی ویژه سپاه پاسداران) بخش اصلی آن می باشد. این نیرو فقط برای سرکوب، ضرب و شتم، اعمال خشونت و دستگیری به میدان آورده می شود. طریقه ی برخورد با آن باید به صورتی باشد که قدرتشان خنثی شده و طوری صحنه را ترک کنند که دیگر به میدان بازنگردند.

لازم بیاد آوریست که با برآوردهای نسبتاً دقیق، شمار نیروهائی که در نهایت در نیروهای چهارگانه ی بالا در اختیار رژیم است در سطح کل کشور به طور نظری چیز حدود هفتصد هزار نفر می باشد. اما از این تعداد کمتر از پنجاه هزار نفر آن نیروی عملیاتی و قابل استفاده است. نیرویی که به نسبت بزرگی کشوری مانند ایران بسیار ناچیز است. تنها مرکز تهران برای کنترل شدن نیاز به 15 تا 20 هزار نیرو دارد. تهران بزرگ چیزی در حدود 5 برابر این رقم را می طلبد و شهرهای بزرگ ایران در مجموع نیاز به 400 تا پانصد هزار نیروی عملیاتی برای سرکوب دارد. این در حالی است که رژیم بیش از 50 هزار نفر برای این منظور در اختیار ندارد. یعنی یک دهم نیاز واقعی. علت برنخوردن به مشکل حاد در این باره در طول 12 ماه گذشته آن بوده است که تظاهرات به مرکز تهران محدود می شده است و به گستردگی بالا دست نیافته بوده است.

### پنجم: ارتش جمهوری اسلامی

ارتش در طول سالهای حکومت آخوندی و با وجود فرماندهانی که از طرف خود ملایان انتخاب میشوند، بدلیل اینکه ریشه ایده نو لورثی افراطی ندارد، همواره مورد سوء ظن و تحقیر بوده توجه کمتری در مقایسه با سپاه پاسداران به رفاه و روحیه پرسنل آن معطوف بوده است. استفاده از نیروهای ارتش ممکنست به دو صورت انجام بگیرد.



یکم: در صف پس از پلیس و پیش از ورود سپاه پاسداران به میدان آورده شده ولی تحت امر فرماندهان پاسدار قرار بگیرند تا در انجام وظایف محوله سرکوبی مردم زیر نظر باشند و سپاه پاسداران بصورت نیروی آماده پشتیبانی مستقر گردد که در صورت سرکوب و منکوب شدن مردم نیازی به آوردن آنان به میدان نباشد و در صورت جدی شدن خطر پیروزی مردم آن نیروی آماده را بمنظور آخرین خط دفاعی و سرکوبی مردم وارد صحنه کنند.

دوم: ارتش و سپاه را در کنار هم قرار دهند تا ضمن تقویت نیروی مقابله آنها زیر نظر داشته و از هر گونه احتمال سرپیچی از دستور و گریز احتمالی سربازان جلوگیری کنند.

ارتش با داشتن وظیفه پدافند سرزمینی و ریشه های عمیق مردمی مانند سربازان وظیفه، افسران و درجه دارانی که در میان مردم زندگی می کنند و نداشتن ایدئولوژی افراطی مذهبی، به طور عمومی مورد اعتماد کامل سران رژیم نبوده و به همین دلیل در سطح پائین تری از توجه قرار گرفته و به عنوان نیروی مسلح رسمی، سپاه پاسداران همیشه با وجود میزان دانش و آگاهی بیشتر پرسنل ارتش بر آن مقدم بوده است. این خود نشان می دهد که می توان با استفاده صحیح و تبلیغات موثر این موضع قدرت رژیم را خنثی نمود. این احتمال هست که حتی قسمتی از نفرات ارتش در کنار مردم ایستاده و از آنان در مقابل نیروهای سرکوبگر دفاع کنند.

به هر روی با آن بخش از نیروهای ارتش که در مقابل مردم ایستادگی می کنند باید مقاومت نشان داد و آنها را از سر راه برداشت.

پس تا اینجا گفتیم که

1) با نافرمانی های مدنی باید پایه های رژیم را تضعیف کرد و



2) برای مقابله ی عملی و موثر با لایه های مختلف نیروهای سرکوبگر آماده شد.

اینک باید ببینیم در صورتی که توانستیم نیروهای سرکوبگر را عقب بزنیم چگونه می توانیم وارد فاز نهایی یعنی خلع قدرت از حاکمیت شویم.

نخست ببینیم چه نیروی در میان مردم این وظیفه را بر عهده دارد:

نیروی مردم را به سه بخش می توان تقسیم کرد :

1) اکثریت خاموش که از زمان آغاز فروپاشی رژیم وارد صحنه می شود.

2) اقلیت کنشگر که به طور فعال در صحنه ی اعتراضات حضور داشته و آماده نقش آفرینی و و کنش رادیکال هستند.

3) تعدادی از هسته ها و تیم های سازماندهی شده یا خودسازماندهی شده که برای هدایت نیروها به سوی هدفهای مشخص وارد عمل

می شوند.

ترتیب کار این است که نیروی سوم نیروی دوم را راهبری و هدایت می کند و نیروی دوم نیروی اول را به میدان می کشاند.

در استراتژی سرنگونی هر سه این نیروها لازم است و بدون یکی از آنها پیشبرد مراحل کار سخت و یا ناممکن خواهد بود.

نیروی سازماندهی شده یا خودسازماندهی شده نیرویی است که برای عمل کردن در فرایند خلع قدرت با آمادگی، پیش بینی و برنامه ریزی به

صحنه می آید.



## در روز مناسب چه باید بکنیم؟

بر طبق فراخوان ها و برنامه ریزی های فعالان جنبش قرار است که مردم ایران بار دیگر در روز 22 خرداد 1389 برای از سرگیری جنبش طور گسترده به راهپیمایی بپردازند. مردم خواهان آن هستند که راهپیمایی در آرامش و به گونه ای مسالمت آمیز برگزار شود. پیش بینی این است که این تظاهرات در فاصله ی میان میدان امام حسین و میدان آزادی برگزار شود.

این پیش بینی مردم است، اما آیا این گونه خواهد شد؟ بدیهی است که رژیم این بار هم با به خیابان ریختن نیروهای سرکوبگر خود تلاش خواهد کرد که مانع از تجمع اولیه ی مردم در این مسیر شود. به همین خاطر باید پیش بینی های لازم را کرد که چگونه با این موضوع برخورد شود.

نخست این که هسته های اولیه جمعیت تظاهر کننده باید در نقاط مختلف شهر شکل گیرد و بعد این هسته ها به سوی مسیر تعیین شده بیایند. اگر چندین هسته چند هزار نفری یا چند ده هزار نفری بیایند بدیهی است که جمعیت موفق خواهد شد از موانع عبور کرده و به مسیر اصلی دست یابد. با قرار گرفتن هسته ی اولیه ی چند هزار نفره در این مسیر سیل مردم به آن خواهد پیوست.

اگر شدت سرکوب و موانع اجازه نداد که جمعیت تظاهر کننده در مسیر میدان آزادی و میدان امام حسین مستقر شود باید بلافاصله جمعیت را به سوی یک مسیر جایگزین هدایت کرد. پیشنهاد می شود که این مسیر جایگزین یکی از میدانی اصلی در جنوب شهر تهران باشد. جایی که بتوان



سیل میلیونی مردم محروم و ستمدیده را به حرکت درآورد. بدیهی است که در این شرایط باید شعارها بیشتر رنگ و بوی مطالبات اقتصادی و اجتماعی مانند بیکاری، فقر، گرانی، تورم، نابرابری را به خود بگیرد.

و اما این موضوع دیگر حتمی است که در این روز رژیم دست به سرکوب تظاهر کنندگان و معترضین بزند. به همین خاطر بد نیست از حالا و این بار با حداکثر آمادگی در این باره اقدام کنیم.

در روز تظاهرات چگونه عمل کنیم؟

در صورت شروع سرکوب باید با سرکوبگران به طور عملی به مقابله پرداخت.

همانطور که همگی می دانیم نیروهای سرکوب گر از یک مرکز فرماندهی دستورات لازم را می گیرند. این مرکز با در اختیار داشتن دوربینهایی که در سطح شهر به عنوان دوربینهای کنترل ترافیک نصب شده اند کنترل می شود. یکی از روش های مقابله با نیروهای سرکوبگر از کار انداختن ارتباط فرماندهی و نیروهای تحت کنترلش می باشد. به عنوان مثال قطع کابلهای دوربین، آتش زدن لاستیک ماشین یا چیزهای پلاستیکی دودزا در نزدیکی ستونهایی که دوربین ها در بالای آن نصب شده اند (دود حاصل از لاستیک ماشین میتواند دید آنها را مختل کند)، افرادی که منزلشان یا محل کارشان در نزدیکی آنها می باشد، می توانند با هر روشی که تشخیص می دهند دوربینها را از کار بیاندازند. پاشیدن رنگ بر روی عدسی از راه دور، قطع کابل ها و یا شکستن آنها با تیروکمان های سنگی برخی از روش های قابل استفاده است.



- **جلوگیری و قطع ارتباط موتورسواران از نیروهای پیاده .** به عنوان مثال با درست کردن ابزاری که منجر به پنچری لاستیک می شود. اگر به چوب پنبه دسترسی دارید می توانید از زاویه های مختلف میخ در آن فرو کرد و در مسیر موتورسواران انداخت.

- **نکته ی دیگر بستن راههای ارتباط و رفت و آمد نیروهای سرکوبگر در سطح شهر است.** از هر طریق ممکن این کار را بکنید: قرار دادن موانع بزرگ و سنگین در وسط خیابان، روشن کردن آتش با لاستیک های بزرگ، سوزاندن خودروهای مختلف بر سر چهارراه ها و میان خیابان ها، قرار دادن آهن و سنگ و سطل های زباله و ... فراموش نکنیم با انداختن چند نوشابه گازدار در بسته در میان آتش آنها به مرور داغ شدن منفجر می شوند و همین امر مانع نزدیک شدن ماموران به آنها می شود.

با ماموران به مقابله بپردازید و آنها را از صحنه برانید و هر گونه تجهیزاتی را که با خود دارند از آنها گرفته و برای ادامه ی مقاومت خود از آنها بهره ببرید.

با عقب راندن نیروهای سرکوبگر این بار دیگر نباید اشتباه حرکت های قبلی را تکرار کرد و متوقف شد. این بار باید از دفاع به تهاجم رفت و کار را با قاطعیت پیش برد.



تاکی قرار است که هر بار بیاییم و با هزینه ای سنگین با نیروی سرکوب برخورد کنیم و باز دوباره برگردیم. یک بار باید کار را از مرز دفاع از خویش گذراند و موضوع را یکسره کرد.

برای این منظور باید از دفاع به تهاجم پرداخت و تهاجم یعنی رفتن به سراغ مراکز قدرت و خلع قدرت. برای این منظور باید قدری سازماندهی کرد.

یکی از ضعف های اساسی در حرکت های سال 88 مانند روز قدس و عاشورا و امثال آن نبود سازماندهی در میان کنشگران جنبش بود. به همین دلیل بهتر است از حالا آموزش روش های سازماندهی را داشته باشیم.

بنا به دلایلی مانند ضعف ارتباطات و یا قوی بودن جو سرکوب دشوار است که بتوان سازماندهی را به صورت یک امر پیش از قیام صورت داد. به همین دلیل بد نیست به آن به چشم یک امکان در صحنه نگریست. لذا بد نیست به صورت مشخص در باره ی امکان سازماندهی در صحنه صحبت کنیم که به آن «خودسازماندهی در صحنه» می گویند.

خودسازماندهی کاری نیست که همه ی مردم بتوانند در صحنه ی رویارویی با مردم انجام دهند. این کار کنشگران جنبش است. لذا باید از قبل جوانان و نیروهای فعال جنبش بدانند که چگونه می توان خودسازماندهی کرد. آن چه در زیر می آید یک راهنما برای آموختن روش سازماندهی هجوم به مراکز دولتی است. بدیهی است که نکات این جزوه باید با واقعیات صحنه تطابق داشته باشد.

راهنمای عملی خود سازماندهی در محل



در تظاهرات هفت ماه گذشته دیده شده است که مردم از توانایی فراوانی برخوردارند اما این توانایی، به مانند روز عاشورا، به صورت نیمه کاره و بی برنامه مورد بهره برداری قرار می گیرد، حال آن که می توان با این آمادگی و توانایی خود کارهای بزرگی انجام داد. برای این منظور دو کار باید انجام شود: 1) هدف ها را مشخص کنیم. 2) برای دستیابی به هدف ها نیروی خود را سازماندهی کنیم.

**هدف چیست؟** در این جا منظور از هدف عبارت است از تهاجم به مراکز قدرت توسط فعالان جنبش.

**خودسازماندهی چیست؟** عبارت است از هماهنگی سریع و عملی در محل برای یک کار جمعی.

**هدف ها کدامند؟** این هدف ها شامل تمام ساختمان های دولتی و حکومتی می شوند: وزارتخانه ها، سازمان های دولتی، بیت رهبری، دفتر ریاست جمهوری، صدا و سیما، قرارگاه های فرماندهی نیروهای حکومتی، پادگان ها، پاسگاه ها و پایگاه های سپاه، بسیج، زندان ها و...

زمانی که قیام آغاز شود باید بلافاصله از نزدیکترین، کم خطرترین و آسان ترین هدف ها که به محل تجمع نزدیک هستند شروع کرد و با تصرف آنها یکی بعد از دیگری به تدریج به سوی هدف های دورتر و دشوارتر رفت.

**چگونه این تصرف هدف ها را سازماندهی کنیم:**



راهنمای عملی برای تظاهرات 22 خرداد و روزهای بعد از آن (جزوه ی آموزشی) – کمیته مبارزه ی نافرمانی مدنی سازمان خودرهاگران – خرداد 1389

افرادی که در صحنه حضور دارند باید به صورت **تیم** خود را سازماندهی کنند. تیم از حداقل 2 و حداکثر 5 نفر تشکیل شده است. یک نفر **سر تیم** است. چهار نفر دیگر با هماهنگی **سرتیم** عمل می کنند. اگر **سرتیم** به هر دلیل دیگر نبود، یک نفر دیگر از آن چهار نفر داوطلب سرتیمی می شود. هر کس که اول داوطلب شد سه نفر باقی می پذیرند.

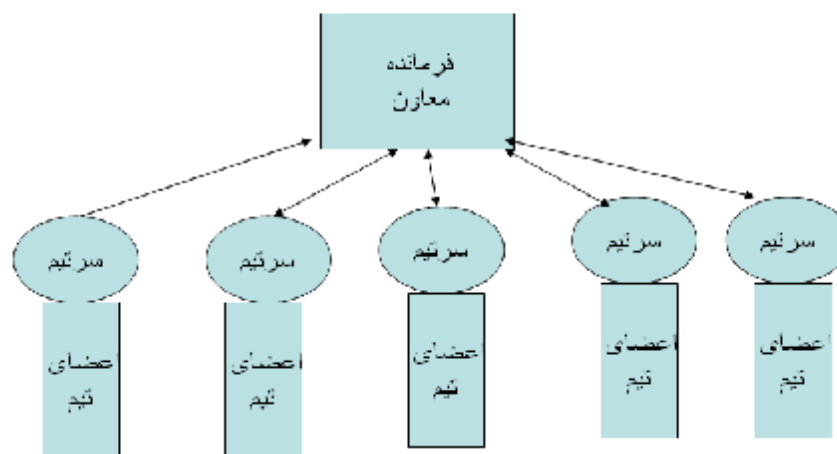
تیم = یک نفر سر تیم + چهار نفر عضو

جمعیتی که در آن روز در خیابان هستند باید بلافاصله تیم های خود را تشکیل دهند. هر تیم برای خود یک شماره می گذارد تا مشخص باشد چند تیم وجود دارد. سرتیم ها با هم مشورت و برای یک عملیات مشخص تاکتیک مناسب را انتخاب می کنند. مثلا حمله به ساختمان یک اداره ی دولتی.

مجموعه ی سرتیم ها می توانند یک نفر را به عنوان **فرمانده** انتخاب کنند. فرمانده برای خود یک معاون بر می گزیند. کار فرمانده و معاون هماهنگ کردن تیم ها برای عملیات مشخص در جهت تصرف یک محل است. **فرمانده** راهنمایی ها را به سر تیم می دهد و سرتیم ها نیز راهنمایی ها را به اعضای تیم منتقل می کنند.



## خودسازماندهی نیروها در صحنه



اگر ایجاد این تیم ها در محل ناممکن بود به صورت فردی اصول زیر را در نظر داشته باشید.

روش تصرف یک هدف چگونه است:

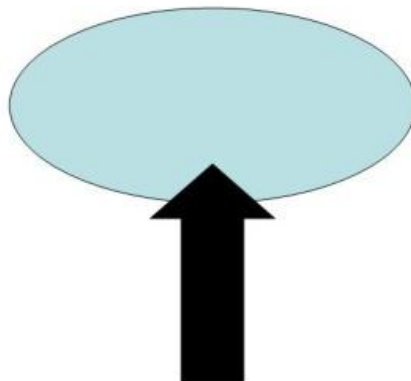
برای تصرف هر محل می توان تاکتیک های متعددی را در نظر گرفت. دو تا از مهمترین آنها عبارت است از:

(1) **Мѣ А љѡѣѢ** : در این روش همه ی نیروها تلاش می کنند که با حمله ی مداوم و بدون انقطاع از یک محل، که بهتر است

ضعیف ترین قسمت دفاع آن محل باشد، راه خود را به درون آن جا باز می کنند و وارد می شوند.



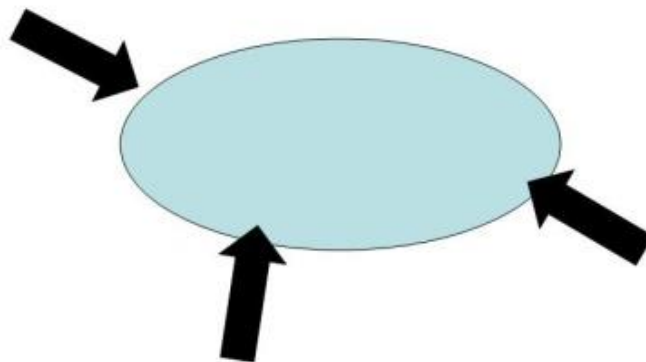
## روش هجوم از یک مسیر



(2) در این روش نیرو از چندین مسیر مختلف شانس خود را امتحان می کند و به محض شکسته شدن یک بخش از دفاع نیروهای مهاجم خود را از مسیر باز شده به داخل می رسانند. این مسیر ها می تواند دو یا بیشتر و یا از لحاظ جغرافیایی به صورت 180 یا حتی 360 درجه محل باشد.



## روش هجوم از چند مسیر



متداول ترین روش برای کنترل مراکز دولتی:

تقسیم بندی نیرو و مرحله بندی :

(1) نیروی حمله از راه دور: این نیرو از راه دور با تمام قدرت دیوار دفاعی را مورد هجوم قرار می دهد تا قدرت دفاعی آنها را تضعیف کند.

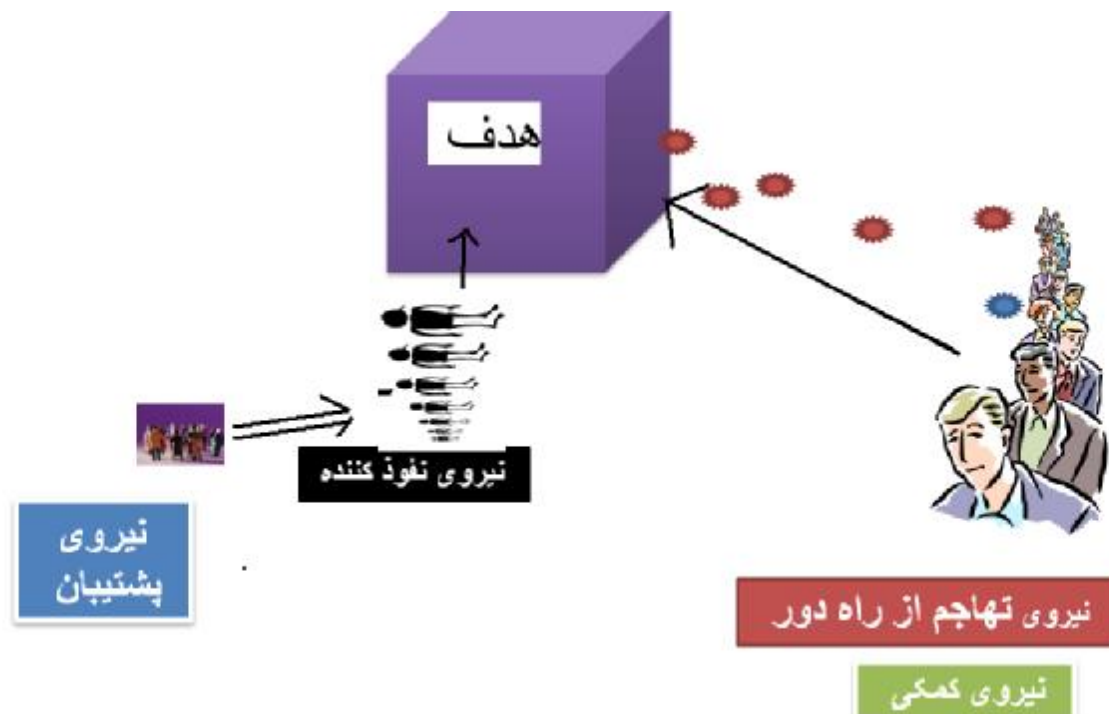
(2) نیروی نفوذ کننده: این نیرو، متشکل از زبده ترین افراد، تلاش می کند در سایه ی قدرت حمله کنندگان گروه او به جلو برود و دیوار

دفاعی را در هم بشکند و نفوذ کند.



(3) **نیروی پشتیبانی** که کار حمایت های مختلف امدادی، تدارکاتی، ارتباطاتی و ... از نیروی نفوذ کننده را بر عهده دارد.

(4) **نیروی تقویتی**: زمانی که یک راه نفوذ توسط **نیروی نفوذ کننده** باز شد نیروی حمله از راه دور به عنوان نیروی تقویتی به نیروی نفوذ کننده می پیوندد.





## بعد از گرفتن یک محل چه کنیم؟

- 1) کنترل کامل ورودی ها و خروجی های محل را در دست بگیرید.
- 2) خبر آزاد شدن آن محل را به هر طریق که می توانید به اطلاع سایر همزمان رسانده و در رسانه ها اعلام کنید.
- 3) مدارک و اسناد را به طور سالم از محل خارج کنید.
- 4) وسایل مورد استفاده را برای استفاده جهت مبارزه تخلیه کنید.
- 5) تمامی آثار رژیم در محل مانند عکس ولی فقیه و امثال آن را از میان ببرید.
- 6) پرچم ایران را بدون آرم جمهوری اسلامی بر فراز ساختمان قرار دهید.
- 7) عکس و فیلم از محل تهیه کنید.
- 8) برای محل نگهبان بگذارید و سنگرهای دفاعی درست کنید.
- 9) نیروی لازم برای محافظت از محل را در آن جا قرار داده و سایر تیم ها را برای تصرف یک مرکز دولتی دیگر حرکت دهید.
- 10) در صورتی که محل به دلیل کم شدن جمعیت در معرض خطر حمله نیروهای دشمن است آن را تخلیه کنید. در این صورت ساختمان را طوری از کار بیاندازید که در روزهای بعد مورد استفاده ی دولت قرار نگیرد.

این احتمال وجود دارد که با آغاز هجوم مردم به مراکز دولتی و تصرف تدریجی آنها جمعیت بیشتری به صحنه آید و در کار آسان و آسانتر شود. با اعلان خبر تصرف مراکز دولتی نیروهای رژیم روحیه خود را باخته و با آغاز فرار اولین آنها ریزش و فروپاشی در تمام سطوح آغاز



خواهد شد. در صورت مشاهده ی این روند به سرعت خود را به سوی مراکز حساس مانند صدا و سیما رسانده و برای تصرف آنها تلاش کنید. با تصرف صدا و سیما و فراخوان به مردم، میلیون ها نفر در سراسر کشور به خیابان ها خواهند ریخت و کلیه پادگان ها و مراکز دولتی در کنترل و اختیار مردم قرار خواهد گرفت.

به محض پایان مقاومت نیروهای دولتی آرامش و نظم را به وسیله تشکیل گروه های محلی بر عهده گیرید و اداره ی امور شهر را به صورت جمعی و با همیاری و همکاری انجام دهید. به تدریج یک گروه مرکزی از میان نیروهای مردمی برای اداره ی امور دولتی شکل خواهد گرفت تا شرایط را برای برگزاری انتخابات آزاد فراهم کند.

\*\*\*\*\*



## خلاصه ی مطلب در یک صفحه

روش کلی عملیات خلع قدرت این گونه است:

- (1) شرکت در یک راهپیمایی اعتراضی گسترده
- (2) در صورت سرکوب مقابله ی عملی و قاطع بر علیه سرکوب به منظور عقب راندن آنها از صحنه
- (3) بعد از عقب زدن نیروهای سرکوبگر تهاجم را باید ادامه داد. در این مرحله باید نیروهای خودسازماندهی شده و کنشگر تهاجم را به شکل زیر سازمان دهند:

- a. قطع ارتباطات فیزیکی دشمن : بند آوردن خیابان ها، سد و مانع گذاشتن فیزیکی در همه جا و سنگر بندی در خیابان ها
- b. کسب آمادگی برای تهاجم به نیروهایی که می خواهند از موانع خیابانی عبور کرده و جابجا شوند.
- c. رفتن به سراغ مراکز، ساختمان ها و پایگاه های دولتی، یکی بعد از دیگری
- d. فتح و تصرف مراکز دولتی و اطلاع رسانی پیرامون آن در سطح کشور و در خارج
- e. دعوت و فراخوان به مردم برای بیرون آمدن از خانه ها و پیوستن به کنشگران
- f. به تدریج و با حضور وسیع مردم رفتن به سراغ مراکز انتظامی، پایگاه های بسیج، پادگان ها، مراکز امنیتی و اطلاعاتی و ساختمان های رهبری و ریاست جمهوری و صدا و سیما
- g. به عهده گرفتن کنترل و نظم و مدیریت اوضاع کشور و حضور فعال و مجهز در صحنه برای تثبیت پیروزی و دفاع از آن .